

فصلنامه راهبرد سیاسی  
سال پنجم، شماره ۱، پیاپی ۱۶، بهار ۱۴۰۰  
صفحات: ۲۳-۱  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۹؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۱/۲۱

## علل واگرایی کردهای خاورمیانه در عصر داعش (عراق و سوریه)

سید محسن مصطفوی اردبیلی\* / حسین دهشیار\*\* / حمید احمدی\*\*\* / رحمت حاجی مینه\*\*\*\*

### چکیده

مقاله حاضر به بررسی علل واگرایی کردهای خاورمیانه در عصر داعش پرداخته است. تحركات داعش در عراق و سوریه فرصت بی نظیری برای استقلال خواهی کردها فراهم کرد، اما حوادث مطابق خواست کردها پیش نرفت. سوال اساسی این تحقیق علل واگرایی کردها در فضای داعش و پس از آن است؟ یافته‌های تحقیق بیانگر این است که کردهای سوریه در فرصت داعش، به صورت خودمختار اداره مناطق کُردنشین را در دست گرفتند. در عراق نیز حکومت اقلیم کردستان عراق توانست به خواست خود مبنی بر کنترل کرکوک جامعه عمل پوشانده و همچنین طرح «استقلال کردستان عراق» را پیاده کنند، اما این اقدام با عقب‌نشینی نیروهای کُرد از کرکوک و از نتایج همه-پرسی بی نتیجه ماند. در سوریه نیز با اشغال بخشی از مناطق کُردنشین توسط ترکیه، طرح خودمختاری کُردی در وضعیت مبهمی قرار دارد. فرضیه این پژوهش بر این استوار است که مهم‌ترین دلایل شکست کردها در همگرایی را باید در اختلافات داخلی میان احزاب و نخبگان حزبی از یک سو و مخالفت کشورهای منطقه با استقلال خواهی کردها جستجو کرد. ضمن اینکه مخالفت آمریکا و دیگر قدرت‌های جهانی را نیز باید به دلایل فوق افزود. تحقیق حاضر به صورت توصیفی-تحلیلی و در چارچوب واقع‌گرایی نئوکلاسیک به بررسی این موضوع پرداخته است.

### کلید واژه‌ها

واگرایی کردها، حکومت اقلیم کردستان عراق، کردهای سوریه، داعش، خاورمیانه

\* دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

\*\* استاد روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

H-daheshiar@yahoo.com

\*\*\* استاد علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ایران.

\*\*\*\* استادیار روابط بین‌الملل، گروه ارتباطات و علوم اجتماعی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

## مقدمه

بعد از ظهور داعش در سوریه و عراق و بی‌ثباتی این کشورها، فرصت برای اقدامات جدید کردها برای رسیدن به قدرت بیشتر در منطقه فراهم شد و به نظر می‌آمد در پرتو تهدید مشترکی به نام داعش و فرصت پیش‌آمده «ضعف دولت‌های مرکزی عراق و سوریه»، کردها به سمت همگرایی، خودمختاری‌های بیشتر و حتی کشور سازی پیش بروند.

برخلاف تصور، کردها به جای همگرایی به سمت واگرایی سوق پیدا کرده که از جمله نتایج آنها می‌توان به بازپس‌گیری کرکوک و مناطق مورد مناقشه با بغداد، توسط دولت مرکزی عراق از اقلیم کردستان نام برد که عامل اصلی آن، اختلافات میان گروه‌ها و احزاب کردی اقلیم کردستان عراق بود و عقب‌نشینی و عدم مقاومت نیروهای پیشمرگه در مقابل نیروهای مرکزی عراق در زمان عملیات بازپس‌گیری کرکوک شاهد این مدعاست، این سخت‌ترین شکست کردها در عراق برای رسیدن به خواست‌های خود و استقلال اقلیم کردستان عراق در سال‌های اخیر بود.

در سوریه نیز بین حزب اتحاد دموکراتیک سوریه (پ.ی.د) که در حال حاضر قدرت اصلی در مناطق کردنشین این کشور است و سایر احزاب کردی سوری اختلافات شدیدی وجود دارد. تا آنجا که این احزاب در هنگام حمله ترکیه به شمال سوریه و اشغال شهرهای کردی شمال سوریه نظیر عفرین، در مقابل این حملات سکوت کردند و حتی به سازماندهی نیروهای مسلح تحت نظر خود علیه پ.ی.د. دست زده‌اند.

علاوه بر این اقلیم کردستان عراق نیز این گروه و خودمختاری آن در سوریه را به رسمیت نمی‌شمارد و پ.ی.د. را تنها یک سازمان کردی متحد با رژیم سوریه می‌داند که از نیروی مسلح خود برای کنترل منطقه استفاده می‌کند.

گرچه داعش در مواردی با کردها نیز درگیر شد، ولی داعش برای کردهای منطقه بیشتر فرصت بود تا تهدید و آنها می‌توانستند به واسطه ظهور آن برای رسیدن به اهداف و آرمان دیرینه خود تلاش کنند ولی اختلافات درون کردی و میان نخبگان سیاسی و حزبی کرد و فشارهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای، کردها را به سمت واگرایی سوق داد و در نتیجه این فرصت نیز تا حدود زیادی از دست رفت.

### چارچوب نظری؛ واقع‌گرایی نئوکلاسیک

در این مقاله واقع‌گرایی نئوکلاسیک (NEOCLASSICAL REALISM) برای بررسی مسایل مربوط به کردها در دو کشور عراق و سوریه مورد استفاده قرار خواهد گرفت. واقع‌گرایی نئوکلاسیک در واقع تلفیقی است از واقع‌گرایی کلاسیک و نو واقع‌گرایی که هم به سطح واحد خرد و دولت توجه دارد و هم به سطح کلان و سیستماتیک بین‌المللی می‌پردازد. در نگاه نو واقع‌گرایان تاثیر ساختار بر کارگزار در محیط آنارشیک بین‌الملل به طور مستقیم و بدون واسطه است؛ اما نئوکلاسیک‌ها برخلاف نو واقع‌گرایان بر این باورند که این تاثیر از طریق متغیرهای میانجی و واسطه‌ای بر واحدها اعمال می‌شود. نئوکلاسیک‌ها با در نظر گرفتن یک متغیر مستقل (قدرت نسبی) و مجموعه‌ای از متغیرهای میانجی (همچون ساختار دولت و یا ادراکات محاسبات رهبران دولت‌ها در باب قدرت نسبی) به تحلیل سیاست بین‌الملل می‌پردازند. (Taliaferro, 2009, p7) بنابراین در تحلیل سیاست خارجی دولت‌ها، سطح تحلیل واحدها و بازیگران نیز برایشان از اهمیت برخوردار است و عواملی همچون ساختار دولت و روان‌شناسی نخبگان نیز حائز اهمیت است. به عبارت دیگر، اعتقادات و باورهای تصمیم‌سازان به شدت بر رابطه میان قدرت نسبی و سیاست خارجی تاثیر می‌گذارد (Rose, 1998, p152). این نکته، یعنی توجه واقع‌گرایان نئوکلاسیک به برداشت‌های ذهنی و ساختار داخلی دولت‌ها، وجه تمایز بارز میان نو واقع‌گرایی و واقع‌گرایی نئوکلاسیک است.

در انجام این پژوهش **واقع‌گرایی نئوکلاسیک** به‌عنوان چارچوب نظری در نظر گرفته شده است، زیرا مسئله‌گردی در خاورمیانه در قالب واقع‌گرایی بهتر قابل تبیین است و انتخاب واقع‌گرایی نئوکلاسیک به این دلیل است که اولاً مسایل سیستم بین‌الملل و کشورهای بزرگ و قدرت‌های منطقه‌ای تاثیر مستقیم و اساسی بر گروه‌های قدرت و آرایش منطقه‌ای کردها در خاورمیانه دارد و ثانیاً مسایل درون‌گردی و رقابت قبیله‌ای و قومی و نخبگان حزبی برای رسیدن به قدرت در تحلیل مسایل سیاسی کردهای خاورمیانه مهم و تاثیرگذار است.

**ظهور داعش و پیامدهای آن برای ژئوپلیتیک منطقه خاورمیانه**

سال ۲۰۱۳ نقطه عطفی در تاریخ معاصرگردها به شمار می‌آید چرا که به واسطه تحولات ناشی از ظهور و قدرت‌گیری داعش، کردها در عراق و سوریه از منافع مشترک بی‌سابقه‌ای برخوردار شدند، به گونه‌ای که همه گروه‌های کُردی بقای خود را منوط به مقابله با داعش و نیز پیگیری اهدافی که با ظهور این نیرو پدیده آمد، می‌دیدند.

داعش که در واقع از اختصار جمله دولت اسلامی شام و عراق / الدولة الاسلامیة فی العراق والشام (Islamic State of Iraq and Syria) یا (ISIS) (و همچنین در برخی متون انگلیسی Islamic State of Iraq and the Levant، یا ISIL)، سازمان جهادی بنیادگرایی است که در سال‌های اخیر، آرایش سیاسی خاورمیانه را دچار تغییرات اساسی نمود و در صدر اخبار جهانی و منطقه‌ای جای گرفت.

داعش گرچه از کنار القاعده به وجود آمد، اما تفاوت عمده‌ای نسبت به القاعده دارد، داعش همواره خود را یک دولت قلمداد کرده و صرفاً به دنبال قلمروسازی و تصاحب سرزمین‌های اسلامی بود و توانست در اوج قدرت خود سرزمین گسترده‌ای را در شرق سوریه و غرب عراق به تصرف خود درآورد و پایتخت خود را شهر رقه در سوریه اعلام نماید، در حالی که اعضای القاعده خود را گروهی ساده می‌دانستند که به دنبال مبارزه با آمریکا است (مک کنتس، ۱۳۹۵: ۵۰۹). علاوه بر این نظامدهی سازمانی داعش و مدیریت ابوبکر البغدادی بسیار جدی‌تر از شیوه مدیریتی بن‌لادن بود و در نتیجه، گروه جهادی‌ای که وی تشکیل داد، تغییر بنیادینی در نظام‌یابی گروه‌های جهادی در جهان ایجاد کرد.

### اقدامات سیاسی کردهای عراق در فرصت داعش

اقلیم کردستان در ساختار جدید عراق، همواره در راستای گسترش حاکمیت خود در مناطق کُردنشین خارج از قلمرو خود اقدام کرده و خواستار پیوستن آن مناطق به اقلیم کردستان بوده است. مناطق مورد مناقشه حکومت مرکزی و اقلیم کردستان شامل استان نفت‌خیز کرکوک، و همچنین قسمت‌هایی از استان صلاح‌الدین، موصل و دیاله است که در مجموع نزدیک به ۷ درصد از خاک عراق را شامل می‌شود<sup>۱</sup> (السن، ۱۳۹۲: ص ۱۹۳).

<sup>۱</sup> - مناطق مورد مناقشه با احتساب ۷ درصد از خاک عراق تقریباً ۳۱ هزار کیلومترمربع را شامل می‌شود، این مناطق ذیل ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق قرار گرفته که قرار بود طبق رفراندومی در سال ۲۰۰۷ تکلیف آنان مشخص گردد.

در این میان، کرکوک با توجه به ثروت‌های زیرزمینی و منابع سرشار نفت، همواره اهمیت زیادی برای اقلیم کردستان داشته است. از نظر کردها، کرکوک «قدس» کردستان است و از آرمان‌های ملی آنها جدا نیست. به علاوه ثروت نفتی کرکوک می‌تواند مبنایی اقتصادی را برای استقلال کردستان فراهم کند (فیلیس، ۱۳۹۵: ص ۱۴۵).

پس از پیروزی‌های داعش در عراق، کردها توانستند تقریباً به همه خواسته‌هایی که مدت‌ها برای آن برنامه‌ریزی کرده بودند برسند. در واقع، بعد از حمله داعش و شکست ارتش عراق در رویارویی با این شبه نظامیان، فرصتی استثنایی عاید کردها شد و آنها توانستند خلاء امنیت ناشی از فقدان دولت مرکزی را در آن مناطق در راستای اهداف خود مورد استفاده قرار دهند و شروع به قلمروسازی در آن مناطق نمایند.

کردها، بلافاصله نیروهای نظامی خود را به شهر نفت‌خیز کرکوک روانه کردند و اعلام داشتند که دیگر از این شهر خارج نخواهند شد. در این زمان، مسعود بارزانی (رئیس وقت اقلیم) اعلام کرد که ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق دیگر محلی از اعراب ندارد. (نیک فر، ماهیدشتی، ۱۳۹۴: ۱۷۹).

اقدام دیگر کردهای عراق در فضای ناشی از ظهور داعش در عراق، برگزاری همه‌پرسی و تلاش برای استقلال بود. در چنین شرایطی، مسعود بارزانی با دعوت از احزاب کردستانی، آنها را برای برگزاری همه‌پرسی دعوت به همگرایی کرد و روز ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ را به عنوان روز تعیین سرنوشت در اقلیم کردستان تعیین نمود.

علی‌رغم مخالفت‌های بین‌المللی، در نهایت فراندوم جدایی کردستان عراق در ۲۵ سپتامبر برگزار و حدود ۹۳ درصد مردم اقلیم به جدایی کردستان از عراق رأی مثبت دادند. اما برگزاری این همه‌پرسی با واکنش‌های گسترده منطقه‌ای و بین‌المللی روبرو شد (پیشگاهی فرد، کریمی، ۱۳۹۷: ص ۱۰۳۹).

در عرصه منطقه‌ای، ترکیه از جمله کشورهای بود که به شدت مخالفت خود را اعلام و آن را اشتباهی بزرگ توصیف کرد. ایران نیز برگزاری فراندوم را خطایی استراتژیک خواند. در نهایت نیز به واسطه فشارهای گسترده منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، بارزانی مجبور شد هم از نتایج همه‌پرسی و هم از کرکوک عقب‌نشینی کرده و در نهایت از قدرت کناره‌گیری کند.

در واقع، می‌توان گفت درکنار فرصت‌هایی که ظهور داعش به کردهای عراق عرضه کرد، تنش‌های درونی و مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در این منطقه به عاملی برای تشدید منازعه داخلی بدل شد که مهم‌ترین تنش میان حزب میهنی کردستان عراق و حزب دموکرات است.

### اقدامات سیاسی کردهای سوریه در فرصت داعش

در ابتدای بحران سوریه در سال ۲۰۱۱، برخی جوانان کُرد به شورش علیه دولت مرکزی پیوستند البته بیشتر جریان‌های کُردی در این بازه زمانی سکوت اختیار کردند. زیرا احزاب کُردی به علت سازه‌های عربی - اسلامی این اعتراض، نسبت به آن مظنون بودند. رژیم سوریه نیز در پاسخ به سکوت کُردها و عدم حمایت سازماندهی شده آنها از شورش‌ها، قانون منع مالکیت و فروش زمین به کُردها را لغو کرد (فیلیپس، ۱۳۹۵: ص ۲۰۹).

در سال ۲۰۱۲ و با اوج‌گیری بحران در سوریه بسیاری از مناطق این کشور دستخوش درگیری و بحران شده و کنترل بسیاری از شهرها از دست دولت مرکزی خارج شد. در نتیجه، بشار اسد تصمیم گرفت اولویت خود را بر حفظ دمشق و مناطق اطراف پایتخت بگذارد لذا در جولای ۲۰۱۲ ارتش سوریه از بسیاری مناطق کردنشین خارج شد و تنها شهر قامشلی و حسکه در استان حسکه در اختیار نیروهای امنیتی اسد باقی ماند، در پی خروج ارتش سوریه، هواداران پ.ی.د، این تحولات را انقلاب غرب کردستان یا انقلاب روژآوا<sup>۱</sup> نامیدند (مصطفوی، دهشیار و همکاران، ۱۳۹۸: ص ۶۰).

در ادامه، پ.ی.د. برای حفظ نظم در مناطق کردنشین و مبارزه با گروه‌های جهادی دست به تشکیل نیروی نظامی با نام <sup>۲</sup> Y.P.G (ی.پ.گ) و یا یگان‌های مدافع خلق زد. همچنین واحدی با نام <sup>۳</sup> Y.P.J (ی.پ.ژ) یا یگان‌های مدافع زنان ایجاد کرد که شیوه کار و سازماندهی این گروه‌ها و جنگ گریلایی آنان کاملاً مشابه <sup>۴</sup> H.P.G (ه.پ.گ) (نیروهای نظامی وابسته به پ.ک.ک، حزب کردستان ترکیه) بود. (تزل، ۱۳۹۵: ص ۲۷۷).

پس از شکستن محاصره کوبانی از دست داعش و شروع پیشروی‌های کُردها، آنها برای جلب حمایت‌های بین‌المللی و نیز افزایش مشروعیت خود، زمینه را برای اتحاد با دیگر نیروهای نظامی غیر کُرد مناسب دیدند و اتحاد پ.ی.د. با اقوام غیرکُرد به شکل‌گیری «نیروهای دموکراتیک سوریه» منجر شد. نیروهای دموکراتیک سوریه، حاصل اتحاد میان کُردها، اعراب

<sup>۱</sup> \_کردستان غربی

<sup>۲</sup> \_People's protection units

<sup>۳</sup> \_Woman's protection units

<sup>۴</sup> \_Pepole's defence force

سنی، آشوری‌ها، ترکمان‌ها و ارمنیان است که در اصل تحت کنترل کردها قرار دارد (Lund, 2016, p22).

این نیروها (معروف به SDF<sup>۱</sup> یا به عربی ق.س.د<sup>۲</sup>) با کسب حمایت ائتلاف بین المللی ضد داعش، توانستند در سوریه پیشروی کرده و با عقب راندن داعش، به آزادسازی شهر استراتژیک منبج در ۱۲ آگست ۲۰۱۶ دست یابند. آنها در قالب عملیات خشم فرات، موفق به بازپس‌گیری رقه، پایتخت خلافت داعش شدند و در نهایت شهر مهم دیرالزور را نیز به تصرف خود درآوردند (طالبی، زرین نرگس، ۱۳۹۵: ص ۱۴۱).

اگرچه روابط فدراسیون شمال سوریه و پ.ی. د با دولت مرکزی سوریه پیچیده و متناقض است، ولی کنترل مناطق ذکر شده حاصل نوعی همسویی میان حزب اتحاد دموکراتیک با دولت و ارتش سوریه بوده است.

آنچه در رفتار حزب مذکور مشاهده می‌شود نشان‌دهنده تمایل آنها بر باقی ماندن دولت اسد بر سر قدرت و مخالفت با ارتش آزاد و گروه‌های اپوزیسیون ضد دولت سوریه است؛ هر چند آنها هیچگاه به این مسئله معترف نشدند همچنین این نیروها توانستند به عنوان متحد آمریکا در منطقه مطرح شوند، در حالی روابط خود را با دمشق نیز حفظ کرده‌اند و در مواقعی حتی با روسیه نیز همکاری کنند. (مصطفوی ۹۸/۱۱/۲۶)

### دلایل درون‌گردی واگرایی کردها در فضای داعش

اگرچه اختلافات مذهبی نظیر اختلاف شافعی و علوی و طریقت‌های صوفیه مانند نقشبندی و قادری، در کنار اختلاف زبانی میان لهجه‌های کورمانجی و سورانی و...، و یا اختلافات عشیره‌ای و قبیله‌ای، همگی از دلایل واگرایی در میان کردها در تاریخ صد سال اخیر خود و بعد از جنگ جهانی اول شناخته می‌شود، آنچه در طول تاریخ معاصر به‌عنوان مهم‌ترین عامل شکست جامعه کردها در تشکیل دولت برشمرده می‌شود، وجود اختلافات داخلی و تنش بر سر منافع گروهی است که خود مانع از همگرایی در جهت تشکیل یک دولت مستقل بوده است. (زیبا کلام و عبدالله پور، ۱۳۹۰: ص ۶۲).

<sup>۱</sup>-The Syrian Democratic Forces

به نظر تمام اختلافات کردستان معاصر بیش از هر چیز متأثر از رقابت‌های سه خاندان بارزانی، طالبانی و اوجالان بوده است. در این میان، گروه اوجالان بیشتر در کردستان ترکیه و سوریه نفوذ دارند و اقلیم کردستان عراق و حکومت خودمختار آن سال‌هاست تحت سیطره حزب دموکرات کردستان عراق به ریاست بارزانی‌ها و حزب اتحادیه میهنی کردستان عراق به ریاست طالبانی‌ها قرار دارد و این دو حزب بر تمام منابع سیاسی و اقتصادی اقلیم تسلط دارند و تمام فعالیت‌های بازرگانی نظیر نفت، اینترنت، تلفن همراه و هر منبع دیگری که سود کلانی دارد در انحصار این دو خاندان است و آنها با استفاده از رانت داخلی، حمایت خارجی و با زور سلاح و پول به قدرت خود ادامه می‌دهند (روستایی، ۱۳۹۸).

در واقع، در اقلیم کردستان عراق عملاً دو نوع حاکمیت و دو ساختار سیاسی وجود دارد که این اقلیم را به مناطق تحت سلطه این دو خاندان تقسیم کرده است. سلیمانیه و حلبچه موسوم به منطقه سبز تحت نظر طالبانی‌ها و اربیل و دهوک موسوم به منطقه زرد تحت نظر بارزانی‌ها است به تعبیر دیگر، ساختار سیاسی اقلیم همان ساختار سنتی عشیره‌ای است که سلسله مراتبش هم رعایت شده است و پایبندی چندانی به قانونی که خود کردها تصویب کرده‌اند، در این تقسیم منافع دیده نمی‌شود (اتابکی، ۱۳۹۶).

در جریان همه‌پرسی استقلال نیز این اختلافات خود را به نمایش گذاشتند، در این زمان، اگرچه حزب اتحادیه میهنی که در این زمان به دلیل مرگ جلال طالبانی در موضع ضعف قرار داشت در ابتدا موافقت خود را همه‌پرسی اعلام کرد ولی هر چه به زمان همه‌پرسی نزدیک می‌شد، مخالفت‌های بیشتری از سوی جناح‌های مختلف این حزب، به خصوص جناح خانواده طالبانی برخاست. در نهایت نیز در جریان ماجرای ۱۶ اکتبر ۲۰۱۷ و وقایعی که پس از برگزاری همه‌پرسی و حمله نیروهای نظامی بغداد به مناطق مورد مناقشه (و به‌ویژه کرکوک) رخ داد، نیروهای پیشمرگه حاضر در این مناطق که اکثراً وابسته به حزب اتحادیه میهنی کردستان عراق بودند، کمترین مقاومتی از خود نشان ندادند و این مناطق را به راحتی تسلیم نیروهای دولت عراق کردند، در مقابل حزب دموکرات نیز حزب اتحادیه و رهبران جوان آن را متهم به خیانت و معامله با بغداد و ایران کرد.

پس از حمله نیروهای دولتی عراق به قلمرو اقلیم، بخش قابل توجهی از جغرافیایی که پس از سقوط صدام حسین و به رسمیت شناخته شدن خودمختاری کردها در محدوده اقلیم در اختیار کردها قرار گرفته بود، از سوی نیروهای دولتی بازپس گرفته شد. وسعت این بازپس‌گیری به



حدی بود که مرزهای اقلیم به پشت مرزهای سال ۲۰۰۳ برگشت<sup>۱</sup> و حدود ۵۱ درصد مناطق مناطق تحت اختیار کردها و حدود ۶۵ درصد منابع و چاههای نفتی در مساحتی در حدود ۱۲۴۰ کیلومتر از دست دولت اقلیم کردستان خارج شد.

روسای جوان حزب اتحادیه آشکارا این عقب نشینی را تایید کردند، لاهور شیخ جنگی رهبر جوان و برجسته حزب اتحادیه به صورت علنی اعلام کرد که من کرکوک را تسلیم نیروهای عراقی کردم و بافل طالبانی پسر ارشد جلال طالبانی نیز به عنوان یکی دیگر از سران حزب اتحادیه میهنی از این عقب نشینی دفاع کرد و اتفاقات کرکوک را ناشی از کوتاه بینی رهبران گرد دانست (مشرق نیوز ۱۳۹۶/۰۷/۲۹). به واسطه این رخدادها مسعود بارزانی به جای آنکه به نخستین رهبر کشوری به نام کردستان تبدیل شود، به رئیس ناکام آن تبدیل شد و مجبور به کناره گیری از قدرت شد. این اتفاق را می توان تیر خلاصی دانست که نه از کشورهای منطقه و بین الملل، بلکه از سوی حزب اتحادیه میهنی کردستان عراق به سوی او رها شد.

### اختلافات بین احزاب کرد سوری

بعد از خروج پ.ک.ک. از سوریه در پی قرارداد آدنا، در سال ۲۰۰۳ حزب گردی پ.ی.د. با توجه به پیش زمینه محبوبیت پ.ک.ک. در شمال و شمال شرق سوریه اعلام موجودیت کرد و به تدریج در جریان حوادث سال ۲۰۱۱ و ظهور داعش در سوریه توانست به قدرت اصلی مناطق کردنشین سوریه تبدیل شود. پ.ی.د در واقع نسخه سوری پ.ک.ک. و دارای همان ایدئولوژی و رویکرد حزب کارگران کردستان ترکیه بود.

با این حال، حضور و تشکیل نزدیک به ۲۰ حزب در کردستان سوریه در پرتو ظهور داعش، برای یک جمعیت حداکثر ۲ میلیون نفری کردهای این کشور، که هر یک نیز مدعی قدرت هستند و جهت گیری های گوناگون دارند اوج انشقاق را در میان احزاب گرد سوری را نشان می دهد. در این میان، برخی از این احزاب خواهان خودمختاری در داخل سوریه هستند، برخی به دنبال سرنگونی بشار اسد، برخی خواهان رعایت حقوق کردها در قانون اساسی و مذاکره با دمشق بدون هیچ ادعایی راجع به استقلال خواهی و خودمختاری و برخی دیگر نیز تحت حمایت دولت

<sup>۱</sup> - شهرهای مانند مخمور و خانقین که بعد از سال ۲۰۰۳ توسط اقلیم اداره می شد، در این عقب نشینی در سیطره دولت عراق قرار گرفت.

ترکیه هستند که حتی در مواردی در حمله نیروهای نظامی ترکیه به مناطق گردنشین به منظور سرکوب پ.ی.د. و متحدانش با ترک‌ها همراهی کردند. با این حال، حزب پ.ی.د. هنوز دست بالا را در کردستان سوریه دارد و تصمیم‌گیرنده اصلی در این مناطق است.

### اختلافات بین حزب اتحاد دموکراتیک و شورای میهنی کردستان سوریه

گروه‌های سوریه از نظر سیاسی به دو بلوک اصلی تقسیم می‌شوند: ۱. حزب اتحاد دموکراتیک، ۲. شورای میهنی کرد. رقابت اصلی منطقه‌ای این دو گروه کرد را می‌توان بین پ.ک.ک، که حزب اتحاد دموکراتیک به آن وابسته است و شورای ملی (میهنی) کرد، وابسته به حکومت اقلیم کردستان عراق دانست.

با توجه به این تقسیمات، منافع ترکیه و حکومت اقلیم کردستان عراق در مناطق گردنشین سوریه با یکدیگر همگرایی دارد، و هر دو به دنبال محدود کردن نفوذ پ.ک.ک. در سوریه هستند (Caves, 2012).

شورای میهنی کرد معتقد است پ.ی.د. همانند پ.ک.ک. حزبی تمامیت‌خواه است و اجازه فعالیت به هیچ یک از دیگر گروه‌های کردی نمی‌دهد و به دنبال آرمان‌ها و ایدئولوژی پ.ک.ک. در مناطق خودگردان شمال سوریه و مبارزه با ترکیه است (برو، ۱۳۹۷). همچنین اتهام دیگری که بر پ.ی.د. وارد می‌شود، مشارکت با رژیم سوریه است.

از طرف دیگر پ.ی.د. معتقد است که شورای میهنی کرد که اکنون عضوی از شورای ملی سوریه (SNC) است، تحت حمایت و مدیریت ترکیه در راستای منافع ترکیه عمل می‌کند و حتی در مقابل اشغال شهرهای گردنشین توسط ترکیه سکوت خیانت‌آمیزی را پیشه کرده است (سلیمان، ۱۳۹۷).

با این تفاسیل، به نظر نمی‌رسد که حداقل در آینده نزدیک، پ.ی.د. راضی به تقسیم قدرت با دیگر گروه‌های کردی در این منطقه باشند، گروه‌هایی که در شمال سوریه و مناطق گردنشین آن نیز فاقد پایگاه اجتماعی قوی هستند.

## اختلاف بین حزب دموکرات کردستان عراق و حزب اتحاد دموکراتیک کردستان سوریه

در تحولات شمال سوریه، بارزانی همگام با آنکارا علیه پ.ی.د. اقدام کرد. در واقع، نگرانی مشترک آنکارا و حکومت اقلیم از ظهور پ.ی.د. در شمال سوریه و تلاش مشترک آنها در جلوگیری از سلطه پ.ی.د. بر شمال سوریه و گسترش مناطق خودمختار تحت کنترل این حزب، به نزدیکی هرچه بیشتر اربیل و آنکارا در این زمینه منتهی شد، بارزانی صراحتاً اقدامات پ.ی.د. در حذف دیگر گروه‌ها و احزاب کردی و غیرکرد را انحصارطلبی نامید.

بارزانی در سال ۲۰۱۳ از پذیرش خودمختاری اعلان شده توسط حزب اتحاد دموکراتیک در سوریه سر باز زد، چرا که پ.ی.د. را تنها یک سازمان کردی متحد با رژیم سوریه می‌دانست که از نیروی مسلح برای کنترل منطقه استفاده می‌کند. حکومت اقلیم کردستان عراق همچنین در سال ۲۰۱۴ در راستای ممانعت از ورود و خروج مردم و کالا در حد فاصل کردستان سوریه و اقلیم کردستان دست به حفر خندق زد، و بعدها طول این خندق را به هفتاد کیلومتر، با سه متر عرض و دو متر عمق رساند تا هرگونه رفت و آمد پنهانی را در این منطقه ناممکن کند (فیلیپس، ۱۳۹۵: ص ۲۲۴).

تحولات اخیر در مناطق گردنشین خاورمیانه و رقابت‌های سیاسی بین گروه‌ها و احزاب مختلف کردی، بیانگر عمق اختلافات بین گروه‌های کرد برای کنترل بر قلمرو جغرافیایی کردستان در منطقه خاورمیانه است. این اختلافات تا بدانجاست که حتی می‌توان گفت در مواردی اختلاف بین احزاب کرد، بیشتر از اختلاف کردها با دولت‌های معارض در منطقه است.

### تاثیر کشورهای منطقه بر واگرایی کردها در فضای پس از ظهور داعش

سیاست دولت‌های خاورمیانه نسبت به اقلیت کردها همواره متفاوت بوده است. ترکیه از زمان کمال آتاتورک، اساساً هویت کردها را نفی کرد و آنها را تُرک آن هم ترک کوهستان شناخته است. ایران هویت موجود کردها را به رسمیت می‌شناسد، ولی آنها را از منظر قومی و نژادی شاخه‌ای از ایرانیان می‌داند. عراق گفته که ما عرب هستیم و شما کرد و ما به عنوان بخشی از دنیای عرب خودمختاری شما را در کل تضمین می‌کنیم، سوریه هویت کردها را به کلی نفی

کرده و سیاست عربیزه کرده سرزمین آنها را اجرا کرده است. (بوژمهرایی و پوراسلامی، ۱۳۹۳: ص ۹۶ و ۹۷)

از آن جا که پیدایش کشور مستقلی به نام «کردستان» با امنیت ملی و تمامیت ارضی چهار کشور مهم منطقه یعنی ایران، ترکیه، عراق و سوریه تباین دارد، هرگاه که دامنه عمل کردها گسترش یافته و عمق پیدا کرده است چهار کشور مذکور همگرایی راهبردی پیشه کرده‌اند که ناشی از پیچیدگی مسأله کردستان است و از ابتدای خود مختاری کردها در عراق نیز این موضوع خط قرمز کشورهای میزبان جمعیت کرد بوده است.

مسئله کردستان سوریه و خودمختاری احتمالی آن نیز مسئله جدیدی است که فعلا با واکنش شدید ترکیه روبرو شده است و آینده این منطقه حاصلخیز و سرشار از منابع نفتی بعد از فارغ شدن دولت مرکزی سوریه از سایر معارض داخلی مشخص خواهد شد و این خودمختاری و آینده آن در حال حاضر در هاله‌هایی از ابهام قرار دارد.

در ادامه سیاست کشورهای عراق، ترکیه، سوریه، ایران در قبال کردها به عنوان یکی از عوامل منطقه‌ای واگرایی کردها بررسی می‌شود.

## ایران

از بین چهار کشور مذکور، ایران با مسئله کردستان مشکلات کمتری دارد. چرا که کردها اساسا خود را آریایی می‌دانند و در تحقق راهبردهای ملی ایران، مشارکت جدی داشته‌اند. کردهای اهل سنت ایران در حدود ۴/۵ میلیون نفر هستند (با توجه به اینکه آرمان ملی‌گرایی کردی در میان اهل سنت بیشتر رواج دارد). باید توجه داشت که به‌طور کلی، وضعیت قوم کرد در ایران، با عراق، سوریه و ترکیه متفاوت است و در ایران کردها در جایگاه اقلیت دوم و جمعیت بالای نیستند و شاید ایران، به موضوع کردها به عنوان یک پرونده امنیتی بنگرد، ولی مانند ترکیه آنها را همچون یک تهدید ملی، فرهنگی و تمدنی نمی‌بیند. (خدیو، ۱۳۹۸)

## الف\_ایران و کردهای عراق

ایران در جریان حمله داعش به اربیل در سال ۲۰۱۴، اولین کشوری بود که به کمک حکومت اقلیم شتافت و تسلیحات و کمک‌های لازم را در اختیار حکومت اقلیم کردستان عراق قرار داد (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۳/۰۶/۰۴).

در هنگام برگزاری همه‌پرسی سال ۲۰۱۷، جمهوری اسلامی ایران قبل از رأی‌دهی به کردها هشدار داده بود و پس از برگزاری آن میزان صادرات خود به این منطقه را که بخش عظیمی از آن مواد خوراکی بود، کاهش داد. اوج برخورد ایران با همه‌پرسی، همزمان با حمله ارتش عراق به کرکوک در ۱۶ اکتبر و افزایش تنش‌ها در این شهر بود. ایران مرزهای زمینی خود را با اقلیم کردستان به‌طور کامل بست؛ به‌گونه‌ای که پایانه‌های مرزی باشماق در مریوان (کردستان)، ترمچین در پیرانشهر (آذربایجان غربی) و پرویز خان در قصرشیرین (کرمانشاه) تا ۱۵ دی ماه ۱۳۹۶ مسدود شدند.

در مجموع، ایران نیز مانند سوریه و ترکیه، تحولات جدید کردها و تمایل آن‌ها برای کسب استقلال را به‌عنوان نیروی آشوب‌ساز منطقه‌ای و معارض امنیت درونی خود تلقی می‌کند، البته برخی کارشناسان بر این باورند که غفلت ایران از ماهیت حرکت جدید کردها با توجه به میزان پیوستگی و مشترکات فرهنگی، تاریخی آن‌ها با میراث تمدن ایرانی بوده است.

در این تحلیل، تأکید می‌شود که استراتژی جمهوری اسلامی ایران در خصوص کردها بیشتر ترکیه‌محور است، در حالی که وضعیت شاخص‌های توسعه انسانی و میزان هم‌نوایی و سازگاری بین قومی در ایران بسیار متفاوت از ترکیه است و ایران می‌تواند حتی از این موقعیت برای تعمیق پیوندهای خود با کردهای منطقه و در نتیجه تقویت امنیت ملی خود بهره‌برداری کند (دهشیار و علی‌برزی، ۱۳۹۸، ص ۱۲۵).

### ب\_ ایران و کردهای سوریه

در مورد خودمختاری کردهای سوریه، ایران به‌عنوان متحد و شریک استراتژیک حکومت بشار اسد، از سیاست رسمی این حکومت در مورد کردها پیروی می‌کند، گرچه به نظر ایران با پ.ک.ک. و شریک سوری آن پ.ی.د. دارای ارتباطات پنهانی می‌باشد که در مطبوعات منطقه و جهانی نیز مطالبی در این مورد نوشته شده و حتی این رابطه موجب اعتراض ترکیه نیز شده است (مصطفوی، ۱۳۹۸/۱۱/۲۶).

### ترکیه

ترکیه در حال حاضر مهم‌ترین و فعال‌ترین دشمن گردهاست و با وجود جمعیت حدود ۱۵ تا ۲۰ میلیون گُرد که تقریباً معادل یک چهارم جمعیت کل این کشور است، چنین چیزی از لحاظ سیاسی و امنیتی و تاثیراتی که بر نگرش و رویکرد این کشور نسبت به مسئله کردی دارد، به کلی با ایران متفاوت است.

### ا\_ ترکیه و گردهای عراق

دولت ترکیه علی‌رغم اینکه از یک سو به‌عنوان پایانه صدور انرژی اقلیم کردستان عراق و از سوی دیگر به‌واسطه حضور فعال شرکت‌های ترک در اقلیم، طی سال‌های پس از سقوط صدام سود سرشاری به دست آورده بود، از ترس اینکه مبدا استقلال کردستان به نقطه عزیمتی برای جدایی‌طلبان گُرد ترکیه علیه این دولت مرکزی در این کشور تبدیل شود، به شدت با استقلال کردستان عراق مخالفت کرد.

همزمان با فراندوم استقلال کردستان عراق در روز ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷، رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه ضمن هشدار به مقامات اقلیم و انتقاد شدید از برگزاری همه‌پرسی استقلال، تأکید کرد که به محض اینکه آنکارا جلوی صادرات نفت کردستان عراق به خارج و ورود کامیون‌های غذا و لباس به کردستان را بگیرد کار تمام می‌شود.

همزمان با برگزاری همه‌پرسی در اقلیم کردستان، دولت ترکیه، هم از صادرات نفت کردستان عراق به مقصد بندر جیهان این کشور جلوگیری کرد و هم از میزان صادرات مواد غذایی به کردستان عراق کاست. این اقدام دولت ترکیه نه تنها مایه حیرت سیاسیون کردستان از جمله شخص بارزانی به‌عنوان مجری همه‌پرسی شد، بلکه مردم کردستان عراق را نیز نگران کرد، زیرا بخش مهمی از مواد غذایی کردستان از طریق ترکیه وارد این کشور می‌شد. (پیشگاهی‌فرد و کریمی، ۱۳۹۷: ص ۱۰۴۰)

### ب\_ ترکیه و گردهای سوریه

در مورد خودمختاری کردستان سوریه نیز موضع ترکیه مشخص است. ترکیه معتقد است پ.ی.د. صرفاً شاخه‌ای از پ.ک.ک.، دشمنی قدیمی ترک‌هاست، به همین دلیل، ترکیه به همراه ارتش آزاد متحد خود تاکنون دست به ۳ عملیات بر ضد گردها در سوریه زده است که در نتیجه آن، نواحی غرب رودخانه فرات را که شامل کانتون عفرین و بخش بزرگی از کانتون

کوبانی بود، طی دو عملیات «سپر فرات» در سال ۲۰۱۶ و «شاخه زیتون» در سال ۲۰۱۸ به اشغال خود درآورد (مصطفوی ۱۳۹۸/۰۴/۲۳). در عملیات چشمه صلح که در تاریخ ۹ کتبر ۲۰۱۹ (۱۷ مهر ۱۳۹۸) با هدف ایجاد منطقه امن از منبج تا مرزهای ترکیه با عراق به طول ۲۳۰ مایل (۳۶۸ کیلومتر) آغاز شد، دو شهر تل ابیض (گری سپی) و راس العین (سَرَکانی) توسط ترکیه اشغال شد؛ ولی کشورهای نظیر ایران، آمریکا، روسیه و اتحادیه اروپا روی خوشی به این عملیات نشان ندادند، (Blake, 2019) با وجود آنکه در این عملیات ۱۰۰۰ کیلومتر مربع از خاک سوریه به دست ترک‌ها اشغال شد، این عملیات به نتایج خود نرسید و با مداخله روس‌ها متوقف شد<sup>۱</sup>. این عملیات و رخداد‌های پس از آن و رویکرد متخاصم دولت ترکیه نسبت به خودمختاری کردستان سوریه نشان می‌دهد که این کشور در جلوگیری از چنین رخدادی مصمم است. (Fahim, Dadouch, Englund, 2019).

## عراق

استقلال‌خواهی کردها به‌عنوان مهم‌ترین معضل دولت مرکزی عراق در دوره‌های گوناگون شناخته می‌شود. این در حالی است که کردستان به دلایل چندی همچون وجود ذخایر عظیم هیدروکربنی، آبی و معدنی برای بغداد از اهمیت بالایی برخوردار است. در حال حاضر، میان بغداد و اربیل اختلافاتی حل نشده وجود دارد که بزرگترین آن همان اجرایی شدن ماده ۱۴۰ و برگزاری همه‌پرسی درباره آن است که از سال ۲۰۰۷، بغداد حاضر به اجرایی کردن آن نیست، کنترل فرودگاه‌ها و گذرگاه‌های مرزی، وجود نیروی پیش‌مرگه که ساختاری مستقل از نیروی مسلح عراق دارد و از آن فرمان‌پذیری ندارد، و به‌خصوص مسئله فروش نفت توسط اقلیم کردستان عراق به صورت یکجانبه و بدون هماهنگی با دولت مرکزی عراق، از دیگر مسایل عمده اختلافات بغداد و اربیل است.

<sup>۱</sup> - در جریان دو عملیات قبلی ترکیه در سال ۲۰۱۶ و ۲۰۱۸ در قسمت کردنشین سوریه نزدیک به چهارهزار کیلومتر مربع توسط ترکیه اشغال شده بود، که به نظر در حال حاضر بین ۵ تا ۷ هزار کیلومتر مربع از خاک سوریه در قسمت کردنشین این کشور در اشغال ترکیه می‌باشد.

در مورد منطقه خودمختاری کُردی سوریه، بیش از آنکه دولت مرکزی عراق موضعی فعال داشته باشد، این اقلیم کردستان عراق است که در این موضوع درگیر است و در این زمینه مانع‌تراشی می‌کند. با این حال، مواضع بغداد در این مورد همسو با تهران و دمشق است و به نظر می‌رسد بغداد نسبت به پ.ی.د. که مناطق کُردی سوریه را اداره می‌کند و بعضاً برای حکومت اقلیم کردستان عراق نیز مشکلاتی ایجاد می‌کند، نظر نامساعدی نداشته باشد.

### سوریه

جمعیت کُردها در سوریه بالغ بر دو میلیون نفر است که بیشتر در استان‌های حسکه و حلب که هم‌مرز کردستان عراق و ترکیه است، زندگی می‌کنند. کُردهای سوریه از نظر جمعیت در مقام چهارم کشورهای خاورمیانه قرار دارند.

سیاست رسمی سوریه در جهت محو کامل هویت و حقوق کُردها از اوایل دهه ۱۹۶۰ به اجراء گذاشته شد و طرح‌های نظیر طرح ستوان محمد طالب الهلال مبنی بر اخراج کُردها، تحت فشار اقتصادی و سیاسی قرارداد آنها، ضبط شناسنامه‌های آنان و بیگانه و اجنبی خواندن‌شان و اتفاقاتی از این دست، در طول ۵۰ سال در این کشور برقرار بود تا اینکه در آغاز بحران سوریه در سال ۲۰۱۱، بشار اسد دستور داد به دویست هزار کُرد سوریه شناسنامه داده شود (فیلیپس، ۱۳۹۵: ص ۲۰۹).

آنچه مبنای این تغییر وضعیت در سال‌های اخیر بود آن است که در جریان تحولات بعد از سال ۲۰۱۱ در سوریه، کُردها به دلیل ماهیت عربی-اسلامی اعتراض‌ها بر علیه بشار اسد، با آن همراه نشدند و خود راهی جدا برگزیدند که به نظر می‌رسد با هماهنگی دمشق بود و اسد به بعضی سران کُرد پیام داد که امنیت مناطق کُردی را خود تامین کنند تا او بتواند در جاهای دیگر با دشمن بجنگد (صفدری، ۱۳۹۸).

با این حال و با وجود هماهنگی‌های موجود، اعلام نظام سیاسی فدرال در کردستان سوریه به سرعت با واکنش منفی حکومت سوریه، اپوزیسیون و نیروهای منطقه مواجه شد. بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه در دیدار با نیکلاس دویسک نماینده پارلمان فرانسه، فدرالیسم را ایده‌ای اشتباه و کُردها را اقلیتی دانست که تشکیل دهنده تنها ۱۰ درصد جمعیت شمال سوریه هستند و حتی در صورت اعلام فدرالیسم نیز در اقلیت خواهند بود (کردپرس، ۱۳۹۵/۰۱/۰۹). اسد در سخنرانی دیگری به کُردهای سوریه هشدار داد که آمریکا از آنها دفاع نخواهد کرد و



امنیت آنها در گرو ماندن در کنار دولت مرکزی است و تاکید کرد که حمایت ابتدائی آمریکا از آنها با هدف استفاده ابزاری در آینده خواهد بود و اصلتی ندارد (دویچه‌وله فارسی، ۱۷/۰۲/۲۰۱۹)

به هر حال به نظر می‌آید که رژیم سوریه و کردهای این کشور بعد از حملات ترکیه و عدم حمایت آمریکا از آنان در مقابل ترکیه، توانستند روابط خود را با میانجیگری روسیه تجدید کنند و به نوعی به همکاری با یکدیگر در مقابل حمله ترکیه به خاک سوریه بپردازند و در آینده نیز بتوانند با یکدیگر در مورد چگونگی اداره این بخش از خاک سوریه و کردستان این کشور به یک راه مسالمت‌آمیز دست پیدا کنند.

### واکنش قدرت‌های جهانی و سایر کشورها به دغدغه استقلال و خودمختاری کردی

در طول یک قرن گذشته بیش از ۱۰۰ کشور جدید متولد شده‌اند که با وجود مخالفت ابتدایی حکومت‌های ملی خود، همواره توانسته‌اند به واسطه حمایت جدی یک قدرت جهانی رقیب به مطلوب خود دست یابند. اما کردها در این مورد نیز جز حمایت‌های کوتاه مدت و تاکتیکی هیچ‌گاه از حمایت یک قدرت جهانی برخوردار نبوده‌اند.

آمریکا و دیگر قدرت‌های جهانی نظیر چین، روسیه و اتحادیه اروپا پروژه و استراتژی خاصی برای آینده کردها ندارند و رفتار آنان در برابر کردها، تابعی از تصمیمات و نگرش آنان نسبت به ایران، عراق، ترکیه و سوریه است و نحوه تعامل یا تقابل آنها با این چهار کشور دارای جمعیت کردی، رفتار آنها را تعیین می‌کند (محمد، ۱۳۹۸).

### آمریکا

در جریان همه‌پرسی ۲۰۱۷ در اقلیم کردستان عراق، آمریکا مخالفت خود با برگزاری همه‌پرسی استقلال بیان کرد و خواستار اجرای آن در سال‌های آینده شد، ولی اصرار بارزانی منجر به همه‌پرسی و در نهایت واقعه ۱۶ اکتبر ۲۰۱۷ شد و دوباره کردها، آمریکا را به عدم پشتیبانی در مقابل بغداد متهم کردند.

همچنین همزمان با خروج آمریکا از شمال سوریه، عملیات چشمه صلح ترکیه در ۹ اکتبر ۲۰۱۹، در شمال سوریه آغاز شد که این همزمانی نشان از هماهنگی قبلی میان آمریکا و

ترکیه داشت. عملیاتی که در نظر گرفته‌ها، خیانت علنی آمریکا به آنها بود و همین امر موجب خشم و ناامیدی آنان شد. البته در روزهای بعد، ترامپ در پی اعتراضات در آمریکا سعی در تعدیل موضع خود گرفت و اردوغان و ترکیه را در صورت اقدام بیش از حد، تهدید کرد. (آر، اف، ای فرانسه، ۲۰۱۹/۱۰/۰۹).

### روسیه

موضع روسیه در قبال کردها پیچیده است. به طور سنتی، روسیه روابطی دوستانه با کردها داشته است. در روسیه نزدیک به ۳۰۰ هزار کرد به خصوص کرد ایزدی زندگی می‌کند و در منطقه قفقاز نیز تعداد زیادی کرد وجود دارد که بیشتر به سیاست‌های این کشور گرایش دارند و همه این‌ها باعث می‌گردد که روسیه در مورد تصمیماتش در مورد کردها این موارد را لحاظ کند.

در قضیه رفراندوم استقلال کردستان عراق، روسیه مواضع نرم و بینابینی اتخاذ کرد و آن را مسئله داخلی عراق دانست. پوتین با اشاره به سابقه رابطه خوب روسیه با کردها، تاکید کرد در مسایل داخلی عراق دخالت نمی‌کند و عملکرد روسیه با هدف عدم شعله‌ور کردن بحران است و بر همین اساس خواهان کاهش تنش بین بغداد و اربیل شد که این موضع نرم و متوازن روسیه در خصوص رفراندوم موجب قدردانی حکومت اقلیم کردستان گشت (ایسنا ۰۷/۱۵/۱۳۹۶).

در مورد کردهای سوریه، مواضع روسیه همواره موضعی دوگانه بوده است و به اعتقاد تحلیلگران، همان‌طور که حمله به شرق فرات توسط ترکیه با چراغ سبز از سوی آمریکا ممکن شد، حمله به شهر گردنشین عفرین سوریه توسط ترکیه نیز با چراغ سبز روسیه امکان‌پذیر شده است (جوش کن، ۱۳۹۷) و یا در سیزدهمین دور نشست‌های آستانه با حضور سران سه کشور ایران، ترکیه و روسیه، مخالفت صریح این نشست با هرگونه موجودیت کردی در شمال و شمال شرقی سوریه اعلام شد. (کردپرس ۰۵/۱۲/۱۳۹۸)

در جریان عملیات چشمه صلح ترکیه، روسیه این عملیات را غیر قابل قبول خواند و خواستار احترام ترکیه به تمامیت ارضی سوریه شد و گشت‌های روسی به سرعت جایگزین نظامیان آمریکا شدند تا از ادامه درگیری در مناطق گردنشین جلوگیری کنند (Fahim, Dadouch, Englund, 2019). در نهایت نیز اعلام پایان عملیات چشمه صلح ترکیه علیه کردهای سوریه توسط وزیر خارجه روسیه، سرگئی لاورف اعلام شد و این را می‌توان به معنای

پیروزی دیگری برای روس‌ها در خاورمیانه تفسیر کرد و به این‌گونه روس‌ها توانستند در مناطق شرق فرات نیز جای پای خود را باز کرده و با کردهای سوریه نیز اتحادی استراتژیک برقرار سازند.

### نتیجه‌گیری

در این مقاله، دلایل واگرایی کردهای خاورمیانه با تاکید بر کردهای سوریه و عراق در عصر داعش مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق بیانگر این امر است که ظهور داعش برای کردهای این دو کشور در ابتدا موجب ایجاد فرصت بی‌نظیری برای خودمختاری، افزایش قلمرو و حتی کشورسازی شد، ولی در ادامه به سه دلیل اصلی: اختلافات داخلی، عدم رضایت کشورهای منطقه و عدم حمایت بین‌المللی، این فرصت حتی به تهدید مبدل گشت.

در بُعد منطقه‌ای، کردهای عراق بعد از حمله داعش به عراق و در خلال ضعف دولت عراق توانستند بیشترین بهره‌برداری را از فضای بوجود آمده ببرند، و در همه ابعاد اقتصادی، سیاسی، امنیتی و ... در مناطق مورد مناقشه با حکومت مرکزی، قدرت و اختیارات خود را گسترش دهند و در این میان، طرح فراندن استقلال کردستان عراق را نیز اجرایی کنند. اما این پایان کار نبود و در کمتر از یک ماه بعد از فراندن، نیروهای دولتی عراق توانستند مناطق مورد مناقشه را از اقلیم کردستان عراق بازپس گیرند و اقلیم کردستان عراق تحت فشارهای منطقه‌ای و بین-المللی از نتایج همه‌پرسی عقب‌نشینی کرد.

بعد از تحولات اخیر، به نظر کردستان عراق درصدد بازگشت به روزهای قبل ظهور داعش و دوری از تشنج در روابط خود با بغداد و همسایگان خود است و فعلا از خواسته‌های خود مبنی بر استقلال و انضمام مناطق مورد مناقشه دست کشیده است.

اما در کردستان سوریه وضعیت هنوز از ثبات برخوردار نیست و بعد از پیشرفت‌های اولیه کردهای سوریه و به تسخیر درآوردن سه کانتون ادعایی کردی، ترکیه با حمله به خاک سوریه به بهانه مبارزه با تروریست‌ها، دو کانتون کردی سوریه را تقریبا به اشغال خود درآورد و کردها مجبور به عقب‌نشینی به شرق فرات و مناطق دور از مرز ترکیه شدند.

در واقع، ترک‌ها به هیچ وجه وجود همسایه‌ای گرد را (که اتحادی استراتژیک با پ.ک.ک، مهم‌ترین دشمن داخلی دولت ترکیه، دارد) در مرزهای جنوبی خود نپذیرفته و دیگر کشورهای منطقه نیز نظیر ایران و حتی اقلیم کردستان عراق نیز با این مسئله به راحتی کنار نخواهند آمد

و دولت سوریه نیز به دلیل منابع غنی نفتی و گازی در منطقه شرق فرات، قطعاً به خودمختاری این منطقه روی خوش نشان نداده و این احتمال وجود دارد که این دولت، بعد از تثبیت وضعیت خود در دیگر مناطق، برای حل قضیه گُردها تصمیمی سرنوشت‌ساز بگیرد.

در این پژوهش به دنبال پاسخ برای این سوال بودیم که دلایل عدم همگرایی گُردهای خاورمیانه در فرصت‌های پیش‌آمده پس از ظهور داعش چیست؟ برای پاسخ به این سوال نیازمند آن هستیم که در چارچوب روشی متناسبی، موضوع را از جهات مختلف مورد بررسی قرار دهیم. واقع‌گرایی نئوکلاسیک به‌عنوان چارچوب نظری این پژوهش اولاً توضیح داده شد که مسایل سیستم بین‌الملل، کشورهای بزرگ و قدرت‌های منطقه ای تأثیر مستقیم بر آرایش بندی گُردها در خاورمیانه دارد و دوم اینکه با توجه به رهیافت واقع‌گرای نئوکلاسیک که تمرکز آن بر متغیرهای میانجی در تحلیل رفتارهای سیاسی و عواملی همچون روانشناختی نخبگان، مسایل درون‌گُردی و رقابت میان نخبگان گُرد را برای رسیدن به قدرت را در تحلیل مسایل سیاسی گُردهای خاورمیانه در این زمینه می‌توان جای داد.

در پایان و پس از تبیین ابعاد مختلف موضوع و بیان مقولات داخلی و بین‌المللی مختلفی که مانع از همگرایی میان گُردها در کشورهای منطقه است، فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر تفاوت‌های ارزشی و منفعتی نخبگان حزبی گُرد موجب عدم همگرایی گُردها در عراق و سوریه در فرصت داعش و افول سیاسی این دو کشور بود، به اثبات رسید.

تابکی، تورج (۱۳۹۶/۰۷/۰۶)، «هرآنچه لازم است در مورد اقلیم کردستان بدانید»، خبرگزاری تابناک، کد خبر: ۷۳۳۴۰۵.

بارزانی، نیچروان ادریس (۱۳۹۸)، «مصاحبه اختصاصی حسین صفدری با نیچروان ادریس بارزانی، رئیس اقلیم کردستان»، فصلنامه مطالعات سیاست خارجی تهران، سال چهارم، تابستان، شماره سیزدهم.

بوژمهرایی، حسن و پور اسلامی، مهدی (۱۳۹۳)، «تهدید نرم خودمختاری کردستان عراق و تاثیر آن بر کردهای ایران»، فصلنامه علمی \_ پژوهشی جامعه شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۲، شماره ۱، بهار و تابستان. صص ۸۷ الی ۱۱۱.

بیرو، ابراهیم (۱۳۹۷)، «تاریخچه و ریشه‌های چالش میان گروه‌های کردی و عربی در سوریه»، فصلنامه مطالعات سیاست خارجی تهران، سال سوم، زمستان، شماره یازدهم.

بی‌نام (۱۳۹۳)، «بارزانی: ایران نخستین کشوری بود که به ما کمک تسلیحاتی کرد»، در: دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۳/۰۶/۰۴، کد خبر: ۱۹۳۷۴۹۲.

پیشگاهی‌فرد، زهرا و کریمی، حسین (۱۳۹۷)، «بررسی پیامدهای منطقه‌ای همه‌پرسی در کردستان عراق»، مجله پژوهش‌های جغرافیا انسانی، دوره ۵۰، شماره ۴، زمستان: صص ۱۰۲۹ الی ۱۰۴۷.

تزل، ژوردی (۱۳۹۵)، *کردها در سوریه: تاریخ، سیاست، جامعه*، ترجمه آزاد حاجی آقایی، چاپ اول، تهران، انتشارات رامان سخن.

جوش کن، وهاب (۱۳۹۷)، «راهبرد غیرمتوازن یا نگاه انتقادی به عملکرد حزب دموکراتیک خلق‌ها در ترکیه»، فصلنامه مطالعات سیاست خارجی تهران، سال سوم، زمستان، شماره یازدهم.

خبرگزاری ایسنا (۱۳۹۶/۰۷/۱۵)، «قدردانی کردستان عراق از مواضع روسیه درباره فراندوم استقلال»، کد خبر: ۹۶۰۷۱۵۰۷۶۲۱.

<https://www.isna.ir/news/96071507621/>

خبرگزاری آراف.ای فرانسه (۲۰۱۹/۱۰/۰۹)، «دونالد ترامپ موضع خود را در رابطه با کردهای سوریه تعدیل کرد»، کد خبر: 20191008

<http://www.rfi.fr/fa/20191008/>

خبرگزاری دوچه وله فارسی (۱۷/۰۲/۲۰۱۹)، «پیام بشار اسد به کردهای سوریه و واکنش شدید او به ترکیه».

<https://p.dw.com/p/3DXdf>

خبرگزاری کردپرس (۱۳۹۸/۰۵/۱۲)، «مخالفت صریح نشست آستانه با مدیریت خودگردان کردها در شمال سوریه»، کد خبر: ۳۰۱۰۳.

<https://kurdpress.com/details.aspx?id=80726>

خبرگزاری کردپرس (۱۳۹۵/۰۱/۰۹)، «بشار اسد: اعلام فدرالیسم در شمال سوریه توسط کردهای این کشور ایده اشتباهی است»، کد خبر: ۱۰۳۳۷۳

<http://old.kurdpress.com/Fa/NSite/FullStory/News/?Id=103373>

خبرگزاری مشرق نیوز (۱۳۹۶/۰۷/۲۹)، «بافل طالبانی: هر آنچه در کرکوک رخ داد، ناشی از کوته‌بینی رهبران گرد بود»، کد خبر: ۷۸۸۵۱۳.

<https://www.mashregnews.ir/news/788513>

خدیدو، صلاح‌الدین (۱۳۹۸)، «میزگرد تخصصی: نقش کردها در تحولات آینده منطقه»، فصلنامه مطالعات سیاست خارجی تهران، سال چهارم، بهار، شماره دوازدهم.

دهشیار، حسین و علی‌برزی، عبدالله (۱۳۹۸)، شکاف نخبگان حاکم و استقلال کردستان عراق، چاپ اول، تهران، انتشارات دافوس.

روستایی، زانا (۱۳۹۸)، «احزاب اسلامی در اقلیم کردستان عراق، راهبردها و رویکردها»، فصلنامه مطالعات سیاست خارجی تهران، سال چهارم، بهار، شماره دوازدهم.

زیباکلام، صادق و عبدالله‌پور، محمدرضا (۱۳۹۰)، «ژئوپلیتیک شکننده اقلیم کردستان، عراق عاملی همگرا در نزدیکی کردهای عراق به اسرائیل»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۱، شماره ۴، زمستان، صفحات ۵۹ الی ۷۵.

سلیمان، احمد (۱۳۹۷)، «ارزیابی محاسبات و رفتارهای کرد سوریه در بحران این کشور»، فصلنامه مطالعات سیاست خارجی تهران، سال سوم، زمستان ۹۷، شماره یازدهم.

السن، رابرت (۱۳۹۲)، جنبش‌های ناسیونالیستی کردی در ترکیه از ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۱، چاپ اول، تهران، نشر پانیز

طالبی آرانی، روح‌الله و زرین نرگس، یحیی (۱۳۹۵)، «ظهور داعش و دگرپرسی در رفتار کردها (سوریه و عراق)»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره دوم، تابستان، صص ۱۲۷ الی ۱۵۰.

فیلیپس، دیوید لارنس (۱۳۹۵)، بهار کردی: نقشه جدید خاورمیانه، ترجمه آزاد حاجی آقایی، چاپ اول، تهران: انتشارات رامان سخن.

محمد، یوسف (۱۳۹۸)، «ارزیابی دستاوردها و چالش های احزاب گُرد عراق»، فصلنامه مطالعات سیاست خارجی تهران، سال چهارم، بهار، شماره دوازدهم.  
مصطفوی، سیدمحسن (۱۳۹۸)، «اوجلان، ترکیه و گُردهای سوریه»، خبر آنلاین، کد خبر: ۱۳۹۸/۱۱/۲۶.۱۳۵۲۷۵۳

مصطفوی، سیدمحسن (۱۳۹۸)، «معمای کردستان سوریه در ژئوپلیتیک منطقه‌ای»، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه. ۱۳۹۸/۰۴/۲۳.

مصطفوی، سیدمحسن و دهشیار، حسین و احمدی، حمید و حاجی‌مینه، رحمت (۱۳۹۸). «پیامدهای حضور داعش برای کردهای عراق و سوریه». فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دهم، شماره چهارم، زمستان، صص ۴۹ الی ۷۰.  
مک‌کنتس، ویلیام (۱۳۹۵)، رستاخیز داعش. ترجمه حامد قدیری، چاپ اول، تهران، نشر اسم، نشر الکترونیکی سایت طاقچه.

نیک‌فر، جاسب و ماهیدشتی، مهدی (۱۳۹۴)، «واکاوی استراتژی نفتی اقلیم کردستان عراق اهداف و رویکردها»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال چهارم، شماره چهارده، ۱۳۹۴.

#### الف) منابع انگلیسی

- Blake, Aaron (2019), “They didn’t help us with Normandy: trump abandons the kurds rhetorically if not literally”, Washington post, Oct 9<sup>th</sup>, 2019.  
Caves, John (2012), “Syrian Kurds and the Democratic Union Party (PYD), Institute for the Study of War”. Dec 6<sup>th</sup>, 2012.  
Fahim, Kareem; Dadouch, Sarah, and Englund, will (2019), “Russia patrolling between Turkish and Syrian forces after U.S troops withdraw”, the Washington post, Oct 15<sup>th</sup>, 2019.  
Lund, Aron (2016), “Origins of the Syrian Democratic Forces: A Primer”, news deeply. Jan. 22<sup>nd</sup>, 2016.  
Rose, Gideon (1998), “Neoclassical Realism and Theories of Foreign Policy”, Word Politics, Volume 51, No 1, Oct 1998.  
Taliaferro, Jeffrey (2009), “Neoclassical realism, the state, and foreign policy”, Cambridge University Press.